

# فلسفۀ دین افلاطونی

از منظری پویشی

دانیل ا. دامبروفسکی

ترجمۀ

علیرضا حسن پور

و

طیبه حجت زاده



## فهرست

۹	پیشگفتار نویسنده بر ترجمه فارسی
۱۱	پیشگفتار مترجمان
۱۷	مقدمه
۱۷	پرش اجتناب‌ناپذیر
۲۳	عدم تقارن در محاورات افلاطون
۲۸	نوشته‌های افلاطون
۳۱	خدا و خدایان
۳۳	چهارچوب این کتاب
۴۱	۱. جدی گرفتن نفس جهانی
۴۱	مقدمه
۴۲	مشکلات تحلیل موهر
۴۷	دفاع هارتس هورن از نفس جهانی
۵۲	سالمنس و الهیات افلاطون
۶۰	میراث نفس جهانی
۷۱	۲. هستی قدرت است
۷۱	مقدمه



این کتاب ترجمه‌ای است از  
A Platonic Philosophy of Religion  
Daniel A. Dombrowski

منتقدان مختلف	۷۲
نقد قدرت مطلق	۸۱
کشمکش پویا	۸۸
۳. مثل به مثابه اموری در پویش نفسانی الهی	۹۹
مقدمه	۹۹
مثل به مثابه اموری در پویش نفسانی الهی	۱۰۰
مثل به مثابه اموری مجرد	۱۰۵
علم مطلق الهی و خیرخواهی مطلق الهی	۱۰۸
۴. خدا باوری دو قطبی	۱۲۱
مقدمه	۱۲۱
خدا باوری دو قطبی	۱۲۲
واقعیت به مثابه امری دوگانه	۱۲۹
برخی از متون	۱۳۶
۵. براهین اثبات وجود خدا	۱۴۷
مقدمه	۱۴۷
برهان وجودی	۱۴۷
برهان جهان‌شناختی	۱۵۱
نسبت‌های سودمند	۱۵۷
۶. تشبیه به خدا	۱۶۹
مقدمه	۱۶۹
افلاطون و عرفان	۱۶۹
تشبیه به خدا	۱۷۴
خدا محوری	۱۸۱
تقلید از خدا	۱۸۸

کتاب‌شناسی	۱۹۷
واژه‌نامه انگلیسی به فارسی	۲۰۹
نمایه	۲۱۳

پیشگفتار نویسنده بر ترجمه فارسی

در آغاز می‌بایم بگویم که بسیار متشکرم که این کتاب به فارسی ترجمه شده است. بر آن به عنوان مهد تمدنی باستان، جایگاه منحصر به فردی در پرورش متفکرانی دارد که به حفظ بهترین‌های دنیای باستان علاقه مندند.

اما این که چه چیزی در ترجمه متفکران باستانی مانند افلاطون باید حفظ شود محل بحث است. تأثیر عظیم آرای او بر تاریخ فلسفه و الهیات در ادیان ابراهیمی، یکی آنچه در این کتاب خدا باوری کلاسیک نامیده‌ام، عمدتاً عبارت از این اندیشه است که کمال الهی بدان معناست که بزرگ‌ترین موجود متصور را موجودی استا نامی کنیم. من استدلال می‌کنم که این تأثیر را باید بیشتر حاصل برداشت از سطران خدا به مثابه محرک نامتناهی دانست که به شدت ثابت است و هیچ تأثیری از مخلوقات نمی‌پذیرد.

ادمای من این است که تفکر افلاطون بی‌چندتر است و دیرزمانی است که برده سو تفهم قرار گرفته. مسلماً ثابت خدا یعنی از این منجر از آرای افلاطون است، اما بدان کامل تر این مانعاً باید مشتمل بر شرحی از پویایی خدا نیز باشند. به تعبیر دقیق‌تر، وجود خدا چه بسا ثابت باشد، اما فعلیت خدا (این که چگونه خدا لحظه به لحظه به طوری پویا وجود دارد) در معرض میلانی پیوسته و سترونی است. تا آنجا که من می‌دانم، در تاریخ ادیان ابراهیمی اکثر متفکران خدا باوران کلاسیک بوده‌اند. اما مشاهده این که متفکران متعددی در مرز یک از ادیان ابراهیمی بوده‌اند که از بدیل نئوکلاسیک یا پویش به جای خدا باوری کلاسیک دفاع کرده‌اند دلگرم کننده است. من در جهان اسلام با تفکر مجدد اقبال لاهوری آشنایی دارم که



در پایان بر خود لازم می‌دانیم از همه کسانی که در به انجام رساندن ترجمه این کتاب و انتشار آن به ما کمک کردند تشکر کنیم. نخست از نویسنده کتاب که درخواست ما را برای نوشتن یادداشتی برای خوانندگان فارسی زبان مهربانانه پذیرفتند و مشوق ما در به اتمام رساندن ترجمه کتاب بودند صمیمانه تشکر می‌کنیم. از جناب دکتر حسن قنبری، استاد فلسفه دین در دانشگاه تهران، که متن فارسی را مطالعه و نکات مفیدی پیشنهاد کردند و از سرکار خانم نرگس سردابی که در ترجمه برخی عبارات به ما کمک کردند سپاسگزاریم. و در نهایت قدردان تلاش‌های مدیر، کارکنان، داوران و ویراستاران انتشارات ققنوس هستیم که زمینه چاپ و انتشار این اثر را فراهم ساختند.

## مقدمه

### پرسش اجتناب‌ناپذیر

آوازه آلفرد نورث وایتهد مرهون این اظهارنظر اوست که «مطمئن‌ترین توصیف کلی از سنت فلسفی اروپایی این است که مشتمل بر مجموعه‌ای از حواشی به آرای افلاطون است».<sup>(۱)</sup> این اطمینان تا اندازه‌ای از این امر ناشی می‌شود که فلسفه افلاطون «معدن پایان‌ناپذیر» اندیشه‌هاست، به گونه‌ای که وقتی یک رگه تمام می‌شود، به طرزی جادویی رگه غنی‌تری کشف می‌شود. به عقیده وایتهد، خطای اصلی نه فقط در افلاطون‌پژوهی، بلکه به طور کلی در فلسفه، مبالغه است. این خطا اغلب زمانی رخ می‌دهد که ما جنبه‌ای از موضوع مورد بحث را اشتباهاً به جای کل موضوع در نظر بگیریم. هدف کتاب حاضر فراهم ساختن وزنه تعادلی برای تلقی‌های پیشین از اندیشه‌های افلاطون درباره خداست که در استدلال بر وجودپرستی<sup>۱</sup> او، یعنی پرستش هستی در مقابل صیوروت، مبالغه می‌کنند. فرض می‌کنم که منظور وایتهد از نقل قول بالا کوچک شمردن آثار فیلسوفان بعد از افلاطون با نسبت دادن عنوان صرف «حواشی» به آن‌ها نیست، بلکه می‌خواهد بر غنا و وفور اندیشه‌های موجود در آثار افلاطون تأکید کند، که به ویژه در خصوص مسائل دینی مشهود است.<sup>(۲)</sup> قطعاً بسیاری از مردم از جمله اکثر فلاسفه تحت تأثیر این ادعا قرار نمی‌گیرند که افلاطون گنجینه سرشاری از اندیشه‌ها را به دست می‌دهد. آن‌ها پرسشی مطرح می‌کنند که نیکلاس اسمیت آن را «پرسش اجتناب‌ناپذیر» می‌نامد: چه چیز دیگری درباره افلاطون می‌توان گفت که، بعد از گذشت دو و نیم هزاره شرح و تفسیر، گفته نشده باشد؟<sup>(۳)</sup>